

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۱۱/۰۱/۱۲

وحشت و ترور در امریکای متمدن آریزونای خونین

کشوریکه از تمدن و حقوق بشر می لافد، کشوریکه به حقوق دیگران متجاوز میشود و کشوریکه مرتکب ترور، ویرانی و خلق وحشت در سایر نقاط کره زمین میگردد، سرانجام خود در همان قعری فرو میرود که برای کشتار دیگران حفر کرده است.

ایالت آریزونا در حوالی صبح ۸ جنوری ۲۰۱۱، شاهد صحنه خونین و دلخراشی بود. یک تروریست مسیحی (نه شرقی یا اسلامی) به نام جارد لوفنر (Jared Loughner) با اسلحه اتوماتیک به سوی یک جمعیت آتش کشود که در نتیجه شش تن به قتل رسید و ۱۹ تن دیگر زخمی گردیدند. در میان مقتولین یک دختر ۹ ساله هم بود که در روز حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تولد شده بود. کاش این طفلک از اول درین جهان نمی بود. خبر گزارى ها گزارش دادند که هدف تروریست مسیحی، ترور و از بین بردن یک وکیل دموکرات در مجلس نمایندگان امریکا به اسم گبریل گیفورد (Gabrielle Gifford) بود. پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" همچو حوادث تروریستی را در هر جائی که اتفاق افتد به شدت محکوم نموده و به بازماندگان حادثه تروریستی در ایالت آریزونا اظهار تسلیت میکند. پورتال معتقد است که شاید دست های خون آلود مرموز دیگری هم در کار بوده باشد. گبریل گیفورد به رسم متعارف امریکا یک لیرال محسوب میشود و حامی بعضی طرح های اجتماعی مانند بیمه صحتی همگانی است که برای نیرو های دست راستی افراطی ناخوش آیند است.

از دقایقی که حادثه تروریستی در ایالت آریزونا اتفاق افتاد، مطبوعات امریکا ماهرانه سعی نموده است که پوششی بر این جنایت ببندازد و آنرا عادی جلوه دهد. همه میدانیم که اگر این عمل تروریستی توسط یک فرد از شرق میانه انجام میشد، فوراً مطبوعات امریکا او را تروریست اسلامی یا مسلمان تروریست خطاب میکرد، اما می بینیم که همین مطبوعات به اصطلاح آزاد بر اعمال جنایتکارانه تروریست های داخلی چطور پرده می اندازد.

سؤال درین جاست که چرا چنین حوادثی در کشور اول جهان اتفاق می افتد؟ جواب را باید در ساختار اقتصادی و اجتماعی امریکا سراغ نمود. بحران اقتصادی اخیر بیداد میکند. بیکاری در سطح ملی در حال حاضر به ۹.۸ در صد می رسد. با وجود خوشبینی های اداره اوباما در کاهش احتمالی بیکاری در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، هنوز امیدواری های خوش آیند در افق به نظر نمی رسد. بیکاری خواهی خواهی مشکلات عدیده روحی و نارامی های اجتماعی را باعث میشود و اقشار تنگدست را بیشتر زیر فشار خود می فشارد و در نتیجه حوادث ناگواری را سبب میگردد.

غربت در امریکا طور شرم آوری به ۱۵.۷ فیصد بالا رفته است. فقر در اقشار معینی از جامعه مؤسسه شده و از نسل به نسلی انتقال یافته است. افرادی با تحصیلات پائین و متعلق به فامیل های فقیر در هر بحران اقتصادی سرمایه داری زودتر کار خود را از دست میدهند و به صف بیکاران می پیوندند. از دست دادن جاه و مال تاثیرات منفی و زیان باری بر روحیات مردم می گذارد و آنها را برای ارتکاب هر جرمی تشویق می کند. کورپوریشن ها شریان اقتصادی کشور را در دست داشته و کمترین ترحمی به حال مردم ندارند. اگر حد اقل فردی هم پیدا شود تا از عدالت نیم بند صحبت نماید، به یک نحوی صدایش خاموش میگردد.

گروه های افراطی دست راستی و نژاد پرست که مخالف هر گونه اصلاحات اجتماعی و اقتصادی بوده و تحمل پیشرفت اقلیت ها را ندارند، از طریق رادیو و تلویزیون و نشرات زهر آگین عمداً خصومت را در جامعه دامن میزنند. افراد منززل و آسیب پذیر زودتر در دام تبلیغات منفی می افتند. حادثه تروریستی در آریزونا را هم میتوان قسماً ناشی از همین توطئه های نیرو های دست راستی و بی ثباتی اجتماعی دانست.

امریکای ثروتمند میتواند همچو حوادث دلخراش را تقلیل بخشد. با یک ششم مصارف کمر شکن نظامی غرض تجاوز به سایر کشور های ضعیف و کشتار مردم بیگناه آنها، امریکا خواهد توانست بیکاری را به حد اقل رساند و با طرح اصلاحات عمیق اجتماعی، جامعه را به سوی رفاه نسبی سوق دهد. در غیر آن ما شاهد ترور های وحشتناک بیشتری خواهیم بود.